

بررسی تغییرات اجتماعی مراسم و مناسک عزاداری عاشورا در ایران

اصغر منتظرالقائم / استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان / montazer5337@yahoo.com

زهراسادات کشاورز / دانشجوی دکتری تاریخ تشیع دانشگاه اصفهان / Zahra.sadat.keshavarz@gmail.com

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۷/۲۹ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۵/۰۵/۰۳

چکیده

مراسم و مناسک عزاداری عاشورا در دوره‌های مختلف تاریخی، علاوه بر صورت‌بندی‌هایی مختلف، پذیرای تغییرات اجتماعی متنوعی نیز بوده است. این تغییرات، تحت تأثیر اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه شکل گرفته، امکان رشد و بازتولید نظام فکری خاص خود و تأثیر آن بر جامعه را می‌یابند. مسأله اصلی مقاله حاضر آن است که با استفاده از مطالعه اسنادی، ضمن توجه به ضرورت کاربرد رویکردهای جامعه‌شناختی در تحلیل پدیده‌های تاریخی خصوصاً عزاداری عاشورا و اهمیت موضوع، نشان دهد نوع و میزان تحلیل و فهم منطق تغییرات و تطورات اجتماعی مناسک عاشورا در طی تاریخ چگونه بوده است. کلیدواژه‌ها: دین، مذهب تشیع، مناسک، تغییرات اجتماعی، عزاداری عاشورا، ایران.

بیان مسئله

تشیع از سالیان دور، مذهب رسمی و غالب ایرانیان بوده که بی‌تردید، از گذشته تا دوران معاصر، دین‌باوری و دین‌داری، همواره وجه مشخصه غالب و پایدار جامعه ایرانی به شمار می‌آمده است. چیستی دین، از جمله مسائل موضوعی و مهمی است که جای بحث دارد، اما بیان تعریف مشخصی از دین، با وجود این‌که موضوع مقاله دارای این معیار است، موضوع اصلی مقاله نیست. در این نوشتار، به مقوله رفتارهای دینی و اعمالی توجه می‌شود که در ارتباط با عقاید دینی رخ می‌دهند. مراسم و مناسک دینی هر مذهب، برآمده از باورها، نیازها، و گرایش‌های دینی قشرهای گوناگون وابسته به آن مذهب است که به صورت آیین‌ها، نمادها، جشن‌ها و عزاداری‌ها بروز می‌یابد. اعمالی که معمولاً در قالب مراسم و آیینی خاص، در ایام ویژه‌ای به طور منظم و همگانی تکرار می‌گردند و مناسک یا آیین عبادی نامیده می‌شوند و آن را غالباً مجرای اصلی تجربه دینی و بروز پیامدهای حیات دینی برای شیعیان می‌دانند. مناسک عزاداری عاشورا از جمله این مناسک است.

عاشورا حادثه‌ای دینی است که یکی از اولیای بزرگ دین آن را رقم زده و هم‌چون هر واقعه دینی مقدس دیگر، از دو منظر قابل تأمل و اندیشه است: یکی نگاه به خود این حادثه و دیگر تعبیر و تفسیری که از جهات مختلف صورت می‌گیرد. طبیعی است که این دو را نمی‌توان یکسان انگاشت. از نگاه اول، عاشورا حادثه جان‌سوزی است که در سال ۶۱ هجری در کربلا رخ می‌دهد و طی نبردی نابرابر، ولی مطلق الهی عَلَيْهِ السَّلَام، به مصیبت و رزیه‌ای بی‌مانند گرفتار می‌آید. از این منظر، بحث در مورد متن خود این واقعه و حادثه عظیم است؛ اما از نگاه دوم، سخن درباره فهم و برداشتی است که از نگاه علمی به حادثه عاشورا انجام می‌گیرد و تفسیر و تعبیری است که در مورد آن

ابراز می‌شود و به بیان دیگر، قرائتی است که دیگران از عاشورا و مناسک عاشورا دارند. (جعفرپیشه، ۱۳۸۱، ص ۲۵۰)

مناسک عاشورا، ابزار و رسانه‌ای قوی برای تبلیغ در طول تاریخ شیعه بوده که به صورت منظم طی سده‌های متمادی، به منظور حفظ یک سری از مفاهیم و ارزش‌های دینی صورت گرفته است. وقایع تاریخی عاشورا برای انتقال به جامعه شیعه و در جهت نیرومند ساختن آن برای مقابله با دشواری‌های زندگی اجتماعی و غلبه بر دشمنان، نوعی محرک عمل محسوب می‌شده و امامان شیعه علیهم‌السلام نیز همواره بر اجرای آن تأکید داشته‌اند. بی‌شک این مناسک، از دغدغه‌های دیرینه شیعیان محسوب می‌شود که البته متأثر از فرهنگ و تحولات اجتماعی ایران در دوره‌های مختلف تاریخی، تغییراتی را پذیرفته و با اشکال متفاوتی ظهور یافته است. هرچند مراسم و سنت‌های هر آیینی در مرتبه پایین‌تری نسبت به باورها قرار دارند، نقش این سنت‌ها در ماندگاری و گسترش آن آیین اجتناب‌ناپذیر است. آنچه در این مقاله اصل است و غالب مباحث را به خود اختصاص می‌دهد، نگاه به مناسک عزاداری عاشورا از منظر دوم و بررسی تحولات مناسکی عاشورا و کارکردهای اجتماعی آن است که در طول تاریخ درباره این حادثه از بُعد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن مطرح بوده است.

مباحث نظری

۱. تغییرات اجتماعی (Social Change)

با توجه به آن‌که تغییرات اجتماعی در جوامع مختلف، ساختار اجتماعی آن‌ها را دگرگون می‌کند، برای درک مناسب موضوع، ابتدا لازم است تعریف و مفهوم ساختار اجتماعی آورده شود. «ساختار اجتماعی»، (Social Constitution) به روابط و

مناسبات نسبتاً پایداری گویند که میان افراد یا گروه‌های اجتماعی یک جامعه برقرار باشد که تحت مجموعه مشترکی از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی گرد آمده‌اند. (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۱۲۷) تحقق جریان‌ات فکری مختلف، تحت تأثیر ساختار اجتماعی جامعه قرار دارد. این ساختار یا به عبارت دیگر، نحوه نگرش و خط فکری این جریان‌ات در جامعه، منعبث از نوع ترتیب و زندگی در قشرهای مختلف اجتماعی آنان است. ایجاد بریدگی در قشرهای اجتماعی و تفکرات اجتماعی متفاوت که خود ناشی از بریدگی فرهنگی است، می‌تواند ثبات جامعه و به تبع آن ساختار حکومت را معدوم نماید؛ زیرا قشربندی‌ها به گونه‌ای خواهد بود که در مواقع بحرانی، باعث تضاد بین قشرها و منشأ جنگ‌های داخلی و نزاع‌های قومی خواهد شد. از این جهت، ساختار اجتماعی دو مؤلفه دارد:

الف) آرایش نیروهای جامعه (تجار، روحانیان، بخش خصوصی و ...):

ب) فرهنگ عمومی جامعه. (Cattell, 1984: p.15)

در این نوشتار، به ذکر تعریف «گی‌روشه» بسنده می‌شود. که نظریات تغییر اجتماعی را با توجه به دیدگاه‌های جامعه‌شناسان معاصر به بحث کشیده است. وی در تعریف تغییر اجتماعی می‌نویسد:

تغییرات اجتماعی عبارت است از تغییری قابل رؤیت در طول زمان به صورتی که موقتی و یا کم‌دوام نباشد، بر روی ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثر گذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون نماید. (روشه، ۱۳۶۶، ص ۲۶)

مهم‌تر از همه، قرآن کریم نیز تغییرات اجتماعی را به مثابه یک سنت در کنار سایر سنت‌ها مطرح نموده است. (مؤدب و فصیحی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵)

۲. مناسک دینی (Religious practices)

دین (Religion) نه به عنوان یکی از عناصر فرهنگ، بلکه به مثابه یک نظام زندگی که فرهنگ بدان قائم است (الیوت، ۱۳۶۹ ش، ص ۲۹)، در جوامع بشری نقش مهمی در تغییرات اجتماعی ایفا می‌نماید. قرآن نیز به نقش‌آفرینی دین در تغییرات اجتماعی از طریق هم‌پستگی اجتماعی اشاره می‌کند. (مؤدب و فصیحی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۶) خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»؛ «همگان دست در ریسمان خدا زنید و پراکنده مشوید و از نعمتی که خدا بر شما ارزانی داشته است یاد کنید، آن هنگام که دشمن یک‌دیگر بودید و او دل‌هایتان را به هم مهربان ساخت و به لطف او برادر شدید و بر لبه پرتگاهی از آتش بودید، خدا شما را از آن برهانید. خدا آیات خود را برای شما این چنین بیان می‌کند، شاید هدایت یابید». (آل عمران: ۱۰۳)

مناسک دینی نیز به مجموعه‌ای از آداب، رسوم و شیوه عمل‌هایی مشخص و نسبتاً قانون‌مند با جهت‌گیری دینی و قدسی و با نتیجه محتمل تقویت باور دینی فرد عامل اشاره می‌کند. مناسک دینی دارای منشأ شریعتی است و در متن دین حضور دارد و تأسیس، تعریف و تبیین چگونگی آن‌ها و جزئیات برگزاری آن‌ها در نصوص و متون اصیل دینی (مثلاً در نمونه اسلام: قرآن، سنت و حدیث) تصریح و تشریح شده است. در نتیجه، تعریف شرایط و اشکال آن‌ها نسبتاً ثابت و تطورناپذیر است. برگزاری آن‌ها از منظر دین، تکلیف است و استنکاف از آن‌ها معصیت محسوب می‌شود و مستوجب عقاب است. با این تعاریف، باید مناسک دینی را به عنوان بخشی چشم‌گیر از شریعت دینی قلمداد کرد که نمود آن در فقه دین است، (مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۲۷۰)

انتخاب چارچوب نظری مناسب، همانند تعریف دقیق موضوع پژوهش، یکی از شرایط ضروری هر پژوهش آکادمیک تلقی می‌گردد. (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۴، ص ۸۹) از آنجایی که این پژوهش، درصدد روشن ساختن تغییرات اجتماعی مناسک دینی از جمله آیین‌های سوگواری و عزاداری عاشورا در ایران است، طبعاً نظریات تغییرات اجتماعی، قالبی متناسب و سازگار برای توضیح امر مزبور به نظر می‌رسد. «رادکلیف براون» و «برانیسلاو مالینوفسکی»، از منظر مردم‌شناسی، «زیگموند فروید» و «کارل گوستاو یونگ» از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، افرادی چون: «ماکس وبر»، «امیل دورکیم»، «کارل مارکس»، «آگوست کنت» و دیگران به عنوان صاحب‌نظران کلاسیک اجتماعی و «پیتر برگر»، «ژان پل ویلهم»، «رابرت کینگ مرتن» و «دیوید مارتین»، از جمله اندیشه‌وران معاصری هستند که موضوع دین را از بعد جامعه‌شناختی و کارکردی بررسی کرده‌اند. این دیدگاه به این علت اهمیت دارد که دین و مناسک آن را از این جهت مطالعه می‌کند که پیروانش را در یک اجتماع اخلاقی وحدت بخشیده و دربرگیرنده عنصر کارکردی است. با این نگاه، پدیده‌های دینی به طور طبیعی به دو مقوله بنیادی «باورها» و «مناسک» تقسیم می‌شوند. باورها دارای ماهیت اعتقادی و نگرشی هستند و مناسک، وجوه معینی از اعمال و رفتار را تشکیل می‌دهند. در دیدگاه جامعه‌شناختی، شناخت و بررسی دین، از مجرا و مسیر مناسک و مراسم آن صورت می‌گیرد. (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۴۸)

در نظام‌های مذهبی، عملاً مجموعه‌ای از مناسک وجود دارد. دورکیم با اذعان به این موضوع، به این نکته اشاره می‌کند که نوعی سلسله‌مراتب میان انواع مناسک برقرار است. در هر جامعه‌ای، تعدادی از مناسک وجود دارند که از لحاظ هم‌سانی و عمومیت، از مناسک دیگر متمایز هستند. محتوای این مناسک و عناصر و شخصیت‌های آنها، موضوع مهم‌ترین احساسات و بعضاً منشأ مهم‌ترین باورها و رفتارها و حتی

اشیاء و پیدایش رسم‌ها هستند. در سلسله‌مراتب مناسک، بعضی از آن‌ها مهم‌ترین عامل و مجرای تثبیت وحدت اخلاقی و دینی قبیله و اجتماع به شمار می‌آیند؛ به ویژه مناسکی که به نوعی، همه اجتماع و بخش‌های آن و یا حداقل نمایندگان از تمام بخش‌های آن در آن حضور داشته باشند. (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۳۸۹) این مسأله با نوعی پتانسیل سیاسی در مناسک همراه است. مناسک به واسطه نوع هدفی که در نظام کلی مناسکی جامعه دارند و از سوی دیگر به واسطه این‌که می‌توانند برای مقاصد مختلف به کار روند و نیز چندین مراسم برای یک هدف باشند و در نهایت می‌توانند جای یک‌دیگر را بگیرند، نوعی پتانسیل سیاسی را در ذات خود ایجاد می‌کنند که سبب می‌شود نقش و جایگاه مناسک، در نهایت به «زیر و بم آهنگ حیات اجتماعی» و وضعیت زندگی جمعی مؤمنان وابسته باشد. لذا از موقعیت یک مناسک در میان مردم، هم می‌توان به نظام مذهبی آن‌ها و هم به هدف اولویت‌مند برای آن‌ها از خلال مذهب پی برد. حتی تأثیر مناسک و دریافت از آن نیز به این آهنگ اجتماعی بستگی دارد.

مهم‌ترین مناسک مذهبی برای هر جامعه، لزوماً در کل تاریخ حیات مذهبی مؤمنان یکسان نمی‌مانند، بلکه متغیر هستند. از نظر دورکیم، مهم‌ترین مناسک و برترین آن‌ها، مناسکی است که طی آن، اجتماع «احساس حادثی از خویشتن» به دست آورد. (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۴۰۴) این احساس به طور نمادین، در شخصیتی متبلور می‌شود که نماد آن مناسک است. این احساس، امری عقلانی نیست، بلکه امری عاطفی و ایمانی است و از خلال مناسک ایجاد می‌شود و تداوم می‌یابد. «نه توزیع اندیشه دینی در بین توده‌های مردم معتقد به آن‌ها و نه شیوه عمل کردن به باورهای دینی یکسان است. بسته به نوع افراد، محیط‌ها و اوضاع و احوال، باورها و مناسک دینی به شیوه‌های مختلف و متفاوتی احساس و اعمال می‌شوند». (دورکیم، ۱۳۸۰، ص ۷)

عزاداری یکی از مهم‌ترین نمونه‌های این گونه مناسک است. دورکیم در بحث خود درباره مناسک عزاداری، آن را صورتی از مراسم جمعی می‌داند که در شرکت کنندگان در آن، «حالتی از جوش و خروش استثنایی» پدید می‌آورد. «حالت عاطفی خاصی» در گروه شکل می‌گیرد که شدت و ضعف و کم و کیف آن، بیان‌گر اوضاع و احوال و ویژگی‌های گروه است. احساس فرد در این مراسم، احساس اجتماع و حالت عاطفی آن را نشان می‌دهد که فرد در برابر آن ادای تکلیف می‌کند. از نظر دورکیم، عزاداری و مناسک آن، تحت تأثیر علل غیرشخصی و بر اثر نحوه تلقی اخلاقی گروه تعیین می‌شود. (کاهیرده و بهار، ۱۳۸۹، ص ۱۶۱)

به زعم دورکیم، وقتی انسان‌ها جمع می‌شوند و وقتی زندگی مشترکی دارند، از پیوندشان نیروی استثنایی متراکمی پدید می‌آید که بر آن‌ها غلبه کرده، به هیجانشان می‌آورد و ندای حیاتی‌شان را به درجه‌ای می‌رساند که پیش از این در زندگی خصوصی‌شان وجود نداشته است. در یک کلام، شاخصه مذهب از دید وی، تأثیر حرکت‌زایی بر وجدان انسان‌ها دارد. از این جهت نیز دیدگاه دورکیم، به خوبی تبیین‌کننده علل توجه ویژه شیعیان به برپایی منظم و همیشگی مناسک عزاداری عاشورا در طول تاریخ به عنوان ابزار قدرتمند ایجاد هم‌بستگی در میان آن‌هاست. به طور کلی، جایی که دورکیم اختلاف عقیده در جوامع مذهبی را به نفع کارکرد اجتماعی مناسک دینی مسکوت گذارد، کارکردگرایان جدید، بیشتر به کارکرد مناسک در پیوند با دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه و بازنمود آن در ساحت‌های متفاوت جامعه توجه می‌کنند، از این رو، مذهب و مراسم مذهبی، نزد بسیاری در مشهودترین سیمای آن یعنی تأکید بر تفاوت‌ها و مرز میان گروه‌های خاص عینیت می‌یابد. از این منظر، فرهنگ هر جامعه در تعاملی پیچیده با نظام باورداشت‌های دینی و کارکردهای اجتماعی آن هم‌زمان در تعیین شیوه عمل مؤمنان و

خلق آثار مذهبی و بازنمود تحولات فرهنگی جامعه از طریق مناسک مذهبی نقشی فعال درون گروه‌های کوچک و بزرگ ایفا می‌کند. (همیلتون، ۱۳۸۱، ص ۱۱۷) مبتنی بر این رهیافت کارکردگرایانه جدید، پژوهش حاضر، توجه خود را به تحولات مناسکی عاشورا معطوف ساخته که متأثر از اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه دانسته شده است.

روش تحقیق

مهم‌ترین پرسشی که هر تحقیق اجتماعی در آغاز کار با آن مواجه می‌شود این است که هستی یا واقعیت اجتماعی که می‌خواهد مطالعه شود چیست؟ تلقی از مقوله مراسم و مناسک دینی به عنوان واقعیاتی تاریخی که از تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی بلندمدت جوامع بشری سرچشمه می‌گیرد، روش را خواه ناخواه به سوی تحقیق تاریخی سوق می‌دهد؛ زیرا اعتبار و ارزش پژوهش‌ها و مطالعات تاریخی، به توصیف و نقل پدیده‌های تاریخی نیست، بلکه پژوهنده تاریخ باید تبیین‌های تاریخی را ایجاد نماید و به ابهامات مختلف تاریخی و چرایی و چگونگی آنها پاسخ دهد. او با پردازش تبیین تاریخی، پا را از مرزهای تاریخ‌نگاری فراتر می‌گذارد و دنبال کشف روابط علی بین پدیده‌های تاریخی است. وی می‌کوشد با ریشه‌یابی تغییرات و علل آنها، با تبیین تاریخی، بین وقایع حال و آینده پیوند ایجاد نماید. در واقع در کنار توصیف وقایع تاریخی، به تجزیه و تحلیل انتقادی آنها می‌پردازد تا به شناخت علی پدیده‌های تاریخی آگاه گردد. (نوذری، ۱۳۷۹، ص ۳۶-۳۷؛ ساده، ۱۳۷۵، ص ۳۸۰-۳۸۱) قدر مسلم این که نوع داده‌های تحقیق حاضر، توجه به ضرورت کاربرد رویکردهای جامعه‌شناختی در تحلیل پدیده‌های تاریخی است.

در واقع تشابه این دو مطالعه در استنتاج عقلانی و بازسازی گذشته و مطالعه پدیده تاریخی در بستر زمانی خود (ساروخانی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۲)، و تفاوت آنها در استفاده

جامعه‌شناسی تاریخی از نظریات جامعه‌شناسی به عنوان منبعی برای علت‌یابی وقایع تاریخی است. البته این امر بدان معنا نیست که در این‌جا کلمه‌ای جز نظریات جامعه‌شناسی گفته نخواهد شد، بلکه از آن‌جا که بسیاری از نظریات جامعه‌شناسی با اوضاع جامعه آن روزگار هم‌خوانی ندارد و نیز هر واقعه اجتماعی ویژگی‌های مختص به خود را دارد که در سایر وقایع دیده نمی‌شود، مطالب دیگری درباره تغییرات اجتماعی مراسم و مناسک دینی خصوصاً عزاداری عاشورا از گذشته تا سده اخیر جامعه ایران نیز ذکر شده است.

رسمیت یافتن عزاداری؛ از سال ۳۵۲ هجری در عصر آل‌بویه تا عصر صفویه
در سده‌های چهارم، پنجم و ششم، هم‌زمان با تشکیل دولت‌های آل‌بویه (از خاندان اصیل ایرانی و شیعی‌مذهب ساکن منطقه دیلمان ایران) در ایران، حمدانیان در سوریه و فاطمیان در مصر، مذهب تشیع گسترش و به تبع آن، مراسم عزاداری هم توسعه یافت و عاشورا در بسیاری از شهرها، روز عزا و تعطیل عمومی اعلام شد. در این بین، تشکیل حکومت آل‌بویه اهمیتی خاص داشت. (مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۴۱)

سرکوب شیعه در طول تاریخ، سبب شد که عزاداری به مثابه یک گفتمان حاشیه‌ای در دین‌داری مردم تکوین یابد که بیش‌تر در حیطه خواص بود. مهم‌ترین شعار مذهبی شیعه که خلفای عباسی به ویژه متوکل شدیداً با آن مخالفت می‌کرد، مراسم سوگواری در روز عاشورا بود. (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ص ۲۳۷) به استناد کاهن، معزالدوله در سال ۳۵۲ هجری دستور داد شیعیان جمع شوند و مراسم عزاداری عاشورا را آشکار سازند. در آن روز، بازارها تعطیل می‌شد و شیعیان به صورت دسته‌جمعی به عزاداری می‌پرداختند، خرید و فروش متوقف می‌گردید، قصابان ذبح نمی‌کردند، آشپزها از پختن طعام دست می‌کشیدند، سقاها از انجام دادن کار منع می‌شدند، در

بازار خیمه‌ها می‌افراشتند، مردم به نوحه و عزاداری می‌پرداختند و زنان موی پریشان و چهره سیاه نموده، در شهر حرکت می‌کردند و همه به یاد امام حسین علیه السلام تپانچه می‌زدند. (کاهن، ۱۳۸۴، ص ۱۵؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۲، ص ۵۰۹۱) به طور کلی، ظهور سلسله‌های شیعی و به‌ویژه آل‌بویه، سبب شد آن‌ها فرصت سیاسی-اجتماعی بیشتری برای ابراز هویت شیعی در صورت مناسک عزاداری فراهم کنند. اسناد و مدارک، گویای این است که آل‌بویه اولین کسانی بودند که به عزاداری به عنوان یک سنت عمومی مشروعیت بخشیدند. (نوری، ۱۳۸۴، ص ۱۸۹؛ تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۴، ص ۴۵-۴۷)

با توجه به این‌که قرن چهارم، اوج گسترش تشیع بود و حکومت‌های شیعی در اکثر مناطق جهان اسلام از جمله ایران، عراق، یمن، شام، مصر و طبرستان گسترده بودند، مناطق شیعه‌نشین به خصوص بغداد، از این دستور معزالدوله به طور گسترده استقبال کردند. از جمله سیف‌الدوله حمدانی - از حاکمان سلسله شیعی حمدانیان - در قلمرو حکومت خویش در شمال عراق، دستور عزاداری عمومی برای امام حسین علیه السلام را در این سال صادر کرد. (ابن‌اثیر، ۱۳۸۲، ج ۱۱، ص ۲۴۳؛ جوزی، ۱۴۱۲، ص ۳۱۹-۳۲۳) حاکمان فاطمی مصر، با این‌که با آل‌بویه رقیب بودند، از روش آنان پیروی کردند و در روز عاشورا، عزاداری عمومی را برای امام حسین علیه السلام مرسوم نمودند. بنابه گفته تقی‌الدین مقریزی، بعد از سقوط فاطمیان، عزاداری امام حسین علیه السلام در مصر ادامه یافت و ایوبیان نتوانستند آن را متوقف سازند. (مقریزی، بی‌تا، ص ۳۱۴-۳۱۸) بعد از این زمان، برپایی عزاداری در روز عاشورا، به سرعت در میان شیعیان گسترش یافت و از جمله مهم‌ترین شعائر شیعی گشت.

با وجود تمام مشکلات، عزاداری تا سقوط آل‌بویه در بغداد ادامه یافت. با روی کار آمدن دولت متعصب سنی سلجوقی در سال ۴۴۷ هجری، ابراز و اظهار تمام شعائر شیعی و از جمله عزاداری ممنوع شد. در عصر سلطنت محمود غزنوی و دوره اول سلطنت سلجوقیان به بعد، سیاست ضدشیعی بسیار شدیدی در مشرق ایران اتخاذ شد

که شیعیان اجازه و توان تظاهر به مذهب و برگزاری آیین‌های مذهبی خود را نداشتند و خود را مخفی و یا سنی وانمود می‌کردند. (کسروی، ۱۳۶۴، ص ۵۲؛ میراحمدی، ۱۳۶۴، ص ۱۴؛ حجازی، ۱۳۸۲، ص ۳۲) در نتیجه، درگیری شدیدی بین شیعیان و اهل سنت وجود داشت و حکومت وقت، اهل سنت را بر کشتار شیعیان تحریک و از برگزاری مراسم عزاداری منع می‌کرد. (مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۴۷؛ ابن اثیر، ۱۳۸۲، ج ۱۲، ص ۹۲-۹۳)

در این دوره، یکی از عوامل مهم زمینه‌ساز این درگیری‌ها، مخالفت علمای اهل سنت با اقدامات معزالدوله دیلمی در رسمیت بخشیدن به شعائر شیعی و خصوصاً مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام بود؛ زیرا آن را بدعتی بزرگ می‌دانستند. در عهد حکمرانی آل بویه و به دلیل غلبه آنان، اهل سنت چندان یارای مقابله نداشتند، اما با روی کار آمدن دولت جدید سلجوقیان، فرصتی بزرگ و استثنایی برای اهل سنت فراهم آمد تا به اقداماتی تلافی‌جویانه از جمله ترویج عقاید مجعول عید و مبارک دانستن روز عاشورا و استحباب روزه‌داری، برگزاری مراسم جشن و پای‌کوبی و برگزاری آیین سوگواری مصعب بن زبیر (از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله) در آن روز دست زنند. (حسینی، ۱۳۴۹، ص ۱۵۲) با وجود این درگیری‌ها، در قرن‌های پنجم و ششم هجری، به دلایل مختلف، دیدگاه اهل سنت بسیاری از شهرهای ایران به نفع شیعه تغییر یافت. عبدالجلیل قزوینی رازی در کتاب *النقض*، با تکیه بر اسناد تاریخی، گزارش می‌دهد که مناقب‌خوانی، فضایل‌خوانی و نیز مقتل‌نویسی در این دوران بسیار رایج بوده است. (قزوینی، ۱۳۳۱، ص ۳۶۵؛ بکناش، ۱۳۶۷، ص ۱۶۵) هم‌چنین مقاطع پایانی این دوران، مصادف با رونق یافتن جریان مرثیه‌سرایی در بین شاعران شیعه ایرانی بود. (ن.ک: حجازی، ۱۳۸۲، ص ۳۳؛ مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۴۸-۵۱) به طور کلی در این میان، به طور مشخص به وجه اجتماعی موضوع عاشورا که از خلال اجرای مناسک عاشورا در جامعه شکل می‌گیرد، بیشتر توجه شده است؛ لذا با تکیه بر روش‌های علمی رایج در جهت تبیین کارکردهای اجتماعی مثبت و منفی، برای مناسک عزاداری عاشورا و

آشکار شدن زوایای مختلف آن در جامعه تلاش شده است. در این گونه تغییرات اجتماعی، درباره اصل و فلسفه اجرای مناسک عاشورا تشکیکی صورت نمی‌گیرد و مناسک عزاداری عاشورا به مثابه رسانه دینی در نظر گرفته می‌شود که مهم‌ترین و مؤثرترین ابزار تبلیغ و ترویج معارف شیعه در طول تاریخ بوده است و اکنون نیز عامل هم‌بستگی این جوامع است. (کاهیرده و بهار، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶-۱۶۷) بنابراین می‌توان صورت‌بندی‌های مختلف این مناسک را که تحت تأثیر اوضاع اجتماعی - سیاسی است، در این دوره مستقیماً متأثر از تحولات جامعه برشمرد.

در زمان مغول، تشیع نخست در سایه دادن آزادی به کیش‌ها و پشتیبانی برخی پادشاهان مغول، خصوصاً غازان‌خان و خدابنده، در ایران پیشرفت بسیار کرد. (کسروی، ۱۳۷۹، ص ۷۶) غازان‌خان در سال ۷۰۲ هجری، مذهب تشیع را برگزید ولی باز هم جانب اهل سنت را نگه می‌داشت. پس از او، برادرش محمد خدابنده هم راه غازان‌خان را ادامه داد. به‌طور کلی، در دوران وی، شیعیان فرصت یافتند تا مراکز شیعی را گسترش دهند و آیین‌های مذهبی خود را در فضایی سالم و بدون تنش برگزار کنند. (میراحمدی، ۱۳۶۴، ص ۱۷؛ ابن بطوطه، ۱۳۶۱، ص ۳۶۱) از این رو، مراسم عزاداری، یکی از پدیده‌هایی بود که در این دوره رواج بیشتری یافت و خود را نشان داد. با توجه به این‌که استفاده از شعر به عنوان یکی از راهکارهای اساسی انتقال احساس و اندیشه، سابقه‌ای طولانی دارد و همواره از آن استفاده شده است، شاعران شیعه ایرانی به سرودن اشعار در رثای امامان خود و ساختن نوحه برای سینه‌زنی اهتمام ورزیدند. (امین فروغی، ۱۳۸۰، ص ۸)

هم‌زمان با حمله مغول و رشد تصوف، گرایش‌های صوفیانه و تفاسیر زهدگرایانه و جبری از زندگی، روزه‌روز بر تعداد خانقاه‌ها افزوده می‌شد، شعرا و عرفا، جانشین مبارزان می‌شدند و برداشت‌های انقلابی از دین و تفاسیر حماسی و مبارزاتی از واقعه عاشورا، جای خود را به برداشت‌های عرفانی، جبری، دنیاگیز و آخرت‌گرا می‌داد که

ردپای این تغییرات را در متون ادبی و اشعار آیینی آن روزگار می‌توان مشاهده کرد. در نتیجه تحریفات زیادی در نقل و تفسیر وقایع عاشورا در این دوره، ایجاد گردید. مجالس دینی هم از مساجد بیرون آمد و به خانقاه‌ها و حسینیه‌ها منتقل شد. (مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۵۳) البته باید دوران کوتاه امارت سربداران را از این حکم مستثنا کرد. در این دوران، مذهب تشیع و آیین‌های شیعی، خصوصاً در نواحی شرقی ایران، رواج یافت. هرچند نگرش ایدئولوژیک خاصی در این دوران قابل تشخیص نیست، غلبه وجود‌نگاهی کاملاً انتزاعی به موضوع عاشورا و مناسک عاشورا را می‌توان آشکارا در آن مشاهده نمود که به شدت تحت استیلای مضمون غم و سوگ و متأثر از احساس و عاطفه است و کم‌تر بر تفکر و اندیشه دینی ایدئولوژیک نظارت دارد و تا حدی تقویت‌کننده نوعی دین‌داری صوفیانه و محدود به فضای خصوصی فردی است. افراد به رغم تفاوت‌های بینشی و اندیشگی، به واسطه ارادت و عشق به مرادی مشترک، در یک فضای واحد با هم ارتباط می‌یابند. در واقع زاویه دیدی اسطوره‌ای و نوعی گرایش به خیال‌پردازی، اغراق و غلو وجود دارد و بیش از این‌که نسبتی با واقعه حماسی - عرفانی عاشورا داشته باشد، انعکاس اجتماعی سوگواری‌های شخصی و دردهای فردی - جمعی و بازخوانی آلام تاریخی و خشونت‌ها و ستم‌هایی است که بر خود افراد رفته و عاشورا به مثابه پناهگاهی است تا در سایه اندوه‌بار آن، با گریستن، برائت وجدان و سبک‌باری روحانی پیدا کنند، بدون این‌که تأمل و تفکری عمیق در بنیادها، ذات و آثار این واقعه داشته باشند. (کاهیرده و بهار، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲)

سرودن شعر برای امام حسین علیه السلام، بر هر شعری اولویت داشت. نظر کردن امام به شعر، رمز ماندگاری آن است. بیان مصائب عاشورا از زبان حساس‌ترین انسان‌های هر دوران (شاعران) صورت می‌گیرد و ادبیات شیعه همواره حول اندوه و سوگ شکل گرفته است. البته در این دوران نگاه شاعران به کربلا از زاویه سوگ است و ادبیات آیینی همواره حزن‌انگیز است.

بنابراین منظومه‌ای از تغییرات اجتماعی مثبت و منفی حول مناسک عزاداری عاشورا است؛ از جمله:

۱. برگزاری مناسک عاشورا به عنوان ابزار و رسانه قوی تبلیغ در طول تاریخ شیعه؛
 ۲. بیان محبت و ارادت به امام علیه السلام در قالب ادبیات و شعر؛
 ۳. بی‌توجهی به ابعاد عرفانی، حماسی و ایدئولوژیک عاشورا و استیلای بُعد سوگواری و عاطفی؛
 ۴. بی‌توجهی به مبانی فکری و فلسفی عاشورا؛
 ۵. استفاده از روایات مجعول و تحریف‌شده و غیرمستند؛
 ۶. عدم شناخت لازم شخصیت امام حسین علیه السلام و قهرمانان کربلا و تقلید و ضعف در آفرینش هنری؛
 ۷. مستقیم‌پردازی در القای معانی که به نوعی نشان از تغییر و تحولات جامعه، تحت تأثیر اوضاع اجتماعی - سیاسی در این دوران است. (کاهیرده و بهار، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹)
- به عبارت دیگر، گاهی وقایع عاشورا و بیان مصائب امام حسین علیه السلام و یارانش در توصیف، با نوعی هم‌ذات‌پنداری همراه می‌شود، به طوری که در بسیاری از موارد، تحت تأثیر اوضاع غالب اجتماعی و فرهنگی گویندگان، معانی و مفاهیم و تفسیرهای نادرستی نیز از محتوای عاشورا عرضه می‌گردد.
- در قرن نهم، با آن‌که امرای تیموری اغلب حنفی بودند، با سایر مذاهب، از جمله تشیع، با مدارا رفتار می‌کردند. این مسأله، فرصت مناسبی را برای شیعیان فراهم آورد تا به تبلیغ مذهب خود و برگزاری آیین‌های مذهبی‌شان مبادرت ورزند. (صفا، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۵۲-۵۴) براساس منابع تاریخی پایان سده نهم و آغاز سده دهم، در سراسر قلمرو ترکمانان و تیموریان، به ویژه در مناطق اصلی و پایتخت‌ها، گرایش به سوی تشیع وجود داشت. از جمله در خطه خراسان، مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام برپا بود. (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۲۹۱؛ مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۵۴)

توسعه شکلی عزاداری؛ از عصر صفویه تا عصر حاضر

تاریخ تکوین تشیع و حوادث تاریخی آنان، ویژگی‌های خاصی را به هویت آن‌ها داده، به طوری که شیعیان طی صدها سال به عنوان اقلیت رادیکال، حضور خود را با نگرانی و زحمت حفظ می‌کردند و در وحشت دائم بودند از این‌که توسط دشمنان خود نابود شوند. این ترس آنان را بدگمان و طبیعتاً در برابر سایر ادیان بسته و ساکت نموده بود. حتی در عهد صفویه نیز ایرانیان شیعه که هم‌اکنون بر مسند قدرت بودند، خود را هم‌چنان به عنوان اقلیت در جهان اسلام و هم‌چنان همانند سابق مورد تهدید اهل سنت، احساس می‌کردند. (شوایتزر، ۱۳۸۰، ص ۳۵۶)

تأسیس دولت صفوی، باعث پیدا شدن الگوی جدیدی در مناسبات میان دین و دولت شد که به عنوان نقطه عطف تاریخی در اندیشه سیاسی شیعه به شمار می‌آید. مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام در این عصر وارد مرحله جدیدی شد. شاهان صفوی نه تنها خود شیعه بودند و به غایت، علاقه‌مند به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، بلکه خود را به ترویج مکتب اهل بیت علیهم السلام و اشاعه مذهب تشیع ملزم می‌دانستند. سوگواری امام حسین علیه السلام در این دوره از دو جهت گسترش چشم‌گیری یافت و تقریباً به مرحله تکامل رسید. شاهان صفوی، توجه ویژه‌ای به مقوله عزاداری شیعیان مبذول داشتند. باید دوران حکومت شاه اسماعیل را دوران تکوین بعضی آداب شیعی نظیر مداحی، شمایل‌گردانی و اقامه سوگواری در ماه‌های محرم و رمضان دانست. (آژند، ۱۳۸۵، ص ۳۹)

نقش دولت صفوی در غالب شدن مناسک عاشورا به عنوان نمایشی بی روح و گاه مخالف با روح شریعت اهمیت دارد. وضعیت در این زمان به گونه‌ای گردید که ابعاد و آموزش‌های سیاسی و اجتماعی تشیع به فراموشی سپرده شد و به جای آن، به قشری‌گری و تأسی به مناسک، بدون توجه به روح و پیام واقعی آن‌ها و نیز تشدید تعارضات فرقه‌ای و دشمنی با اهل سنت توجه گردید. بدین ترتیب، کیفیت رادیکال و

انقلابی مذهب تشیع تحت الشعاع قرار گرفت. رونق گرفتن مطالعه کتاب‌هایی مانند *روضه الشهداء* نوشته ملا حسین واعظ کاشفی سبزواری - معاصر شاه اسماعیل اول - که نگاهی غیرسیاسی و غم‌انگیز به حادثه کربلا دارد، شاهد این مدعا است. (میراحمدی، ۱۳۶۴، ص ۸۰)

شاه عباس اول، در میدان نقش جهان اصفهان، مجالس سوگواری برگزار می‌کرد و خود نیز در آن شرکت می‌نمود. سفرای دربار، اعم از مسیحی و مسلمان هم اجازه شرکت و تماشای این مجالس را داشتند. در این دوران، به حضور همه زنان طبقات مختلف و از جمله زنان روسپی اشاره شده است. حضور روسپیان در مجالس عزاء، علاوه بر گستره وسیع و نفوذ بالای آیین عزاداری در ایران، نشان می‌دهد که عزاداری از یک آیین مذهبی صرف خارج و به آیینی اجتماعی بدل شده است. شاه‌صفی نیز هم‌چون اسلاف خود، به برگزاری باشکوه مراسم عزاداری عنایتی ویژه داشت. در زمان وی، آیین‌های جدید سوگواری چون سنگ‌زنی، تیغ‌زنی و قفل‌زنی تثبیت شد و رواج یافت. (الثاریوس، ۱۳۶۳، ص ۱۱۲-۱۱۸) شاه‌عباس دوم، شاه‌سلیمان و شاه‌سلطان حسین هم رفتارهای دینی بسیاری داشتند که توجه به برگزاری باشکوه آیین‌های عزاداری از آن جمله است. در این دوران مناسک عاشورا، عامل قوی و مهمی در بالا بردن هم‌بستگی اجتماعی است، احساس دینی کافی نیست و تعقل و تفکر، لازمه دستیابی به باطن عاشورا است. تحولات مناسک، متأثر از فرهنگ و تحولات اجتماعی - تاریخی است که کارکردهای اجتماعی فراوانی با خود داشته و به دلایل بسیار تا امروز هنوز زنده است.

اجرای مناسک عزاداری عاشورا، از دغدغه‌های دیرینه و از عناصر اساسی هویت‌بخش در فرهنگ شیعه است که در دوره‌های مختلف تاریخی و تا به امروز، علاوه بر پذیرا شدن صورت‌بندی‌هایی مختلف در شکل، دیدگاه‌های نظری و

گفتمان‌های مختلفی نیز متأثر از محتوای این مناسک همواره شکل گرفته است. هر دوره تاریخی، با توجه به «نظام فکری» و «اصول موضوعه» خود، در مورد مفاهیم مختلف، موضع‌گیری‌های مختلفی عرضه می‌کند و در هر قالبی، به «بازنمایی» نظرهای خویش می‌پردازد؛ لذا مناسک عزاداری عاشورا به مرور زمان و البته تحت تأثیر اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر دوره شکل گرفته و امکان رشد و بازتولید نظام فکری خاصی را یافته و توانسته تأثیرات زیادی بر جامعه داشته باشد. (کاهیرده و بهار، ۱۳۸۹، ص ۱۷۱) این نهضت که دارای توان بالقوه برای تحریک توده‌های ستم‌دیده و القای روحیه انقلابی‌گری و مبارزه در آنان بود، تحت شرایط خاصی به ویژه پس از روی کار آمدن دولت‌های صفویه و قاجاریه دچار تحول گردید. در این دوران، پرداختن به جنبه‌های عاطفی و غیرسیاسی عاشورا برجستگی بیش‌تری یافت و عاشورا از روح سیاسی و حماسی خود خالی شد. (هراتی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۱۷) به طور کلی، دو تحول مهمی که در عهد صفویان در آیین عزاداری به وجود آمد، یکی رسمی و حکومتی شدن مجالس سوگواری و دیگری، ابزارمند شدن و نیز تعریف آیین‌ها و رسوم جدید عزاداری بود. از این دوره به بعد، دسته‌های معمول عزاداری با ابزارها و آلات خاصی همانند «عَلَم»، «کُتَل»، «توغ» و «بیرق» زینت داده می‌شود.^۱ علاوه بر ابزارآلات جدید، از این دوره، آداب و رسومی جدید در سلک آیین‌های عزاداری همانند «تیغ‌زنی»، «قفل‌زنی»، «سنگ‌زنی» و «قمه‌زنی» رواج یافت. برخی از

۱. منشأ این ابزارها، آیین‌های سوگواری مسیحیان آن روزگار در سالروز شهادت مسیح است. شکل صلیب‌گونه علامت و کتل، گاه به عنوان شاهد این قول نقل می‌شود. (محدثی، ۱۳۸۱، ص ۳۴۶) در زمان شاه‌عباس اول، سفیری که از سوی وی به ونیز و ایتالیا رفته بود، پس از بازگشت، به شاه گزارش داد که در سالروز به صلیب کشیده‌شدن عیسی علیه السلام، مسیحیان به صورت دسته‌جمعی راهپیایی می‌کنند و نوحه می‌خوانند و در جلو دسته، صلیب به دوش می‌کشند. شاه عباس هم از آن پس، دستور داد که مردم اصفهان در عزاداری تاسوعا و عاشورا علامت حمل کنند. (مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۶۹)

صاحب‌نظران، قائل به پیدایش اولین نمونه‌های آیین «تعزیه» (شبییه‌خوانی) در عصر صفویه هستند. هر چند به نظر می‌رسد این قول چندان دقیق و مستند نباشد؛ زیرا هیچ تاریخ مشخصی برای زمان دقیق پیدایش تعزیه‌خوانی وجود ندارد و تنها چیزی که مشخص است آن که این مجالس در دوران صفویه نبوده و در دوران قاجار رواج داشته است. به نظر می‌رسد عموم علما و روحانیان عصر صفوی هم با نوآوری‌هایی که آن زمان در امر عزاداری شیعیان رخ داده است، موافق بوده و یا حداقل سکوت می‌کرده‌اند؛ اگر هم موضع مخالف داشتند و حتی آن را بیان می‌کردند، این موضع غالب نبوده است. (مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۶۵-۷۵)

عصر صفوی با توجه به شکل‌گیری حکومت شیعی در ایران، وارث آداب و رسوم و میراث فرهنگی پیشین تشیع بود؛ مانند اشکال گوناگون سوگواری امام حسین علیه‌السلام. از سوی دیگر، این عصر را مرحله اوج‌گیری و دوران طلایی حیات مجالس عزاداری امام حسین علیه‌السلام می‌توان دانست. مراسم عزاداری نزد صفویان چنان اهمیت داشت که حتی هنگام نبرد نیز تعطیل نمی‌شد. (میراحمدی، ۱۳۶۴، ص ۵۷) هرچند سیر تکامل آن در این دوره کامل نشد، می‌توان گفت از همین دوران عزاداری امام حسین علیه‌السلام علاوه بر بُعد مذهبی، وجهه ملی یافت و به یکی از آیین‌های ملی و ایرانی مبدل شد و توانست نقشی بی‌بدیل در ثبات‌بخشی و ایجاد یک‌پارچگی در ایران آن زمان ایفا کند. هم‌بستگی اجتماعی، باورها و گرایش‌های گروهی از مردم است که به صورت رسم یا هنجار، باعث ایجاد رفتار مشترک و توافق میان آنان می‌شود و مردم را به ارزش‌ها و احساس‌های واحدی پای‌بند می‌کند. دورکیم نیز معتقد است: «همه ادیان متضمن اعمال تشریفاتی و شعایی منظمی هستند که در آن گروهی از مؤمنان گرد هم می‌آیند. در مراسم جمعی، حس هم‌بستگی گروهی تأیید و تقویت می‌شود، در واقع تشریفات و شعائر از نظر دورکیم، برای پیوند دادن اعضای گروهی ضروری است. از

این روست که آنان نه فقط در وضعیت‌های عادی پرستش، بلکه در بحران‌های گوناگون زندگی که در آن تغییرات عمده اجتماعی تجربه می‌شوند، مانند تولد، ازدواج و یا مرگ یافت می‌شود». (گیدنز، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵) تشریفات مذهبی، مردم را گرد هم می‌آورند و بدین‌سان پیوند مشترکشان را دوباره تصدیق می‌کنند و در نتیجه، هم‌بستگی اجتماعی را تحکم می‌بخشند. (کوزر، ۱۳۸۲، ص ۹۶)

پس از صفویان در دوره‌های زندیه و قاجار نیز برپایی مراسم دهه عاشورا هم‌چنان پررونق باقی ماند؛ برای نمونه، چون کریم‌خان زند به آداب و مراسم مذهبی مقید بود و به تقلید از شاهان صفوی در ماه محرم هیأت‌های عزاداری را برپا می‌کرد، (مخبر، ۱۳۷۵، ص ۲۲۵) شاخصه مهم این مقطع از تاریخ، شکل‌گیری اولین نمونه‌های مجالس شبیه‌خوانی است. درباره ریشه اصلی تعزیه، دو قول مشهور است که اولی آن را بازتولید اسلامی آیین سیاوشان می‌داند؛ آیینی که در بین ایرانیان پیش از اسلام رواج داشت. قول دوم، تعزیه را بر نمایش مذهبی قرون وسطایی مغرب‌زمین مبتنی می‌پندارد و آن را نوعی بازآفرینی ایرانی - اسلامی مراسم مصائب مسیح قلمداد می‌کند. (مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۷۷-۷۸)

ساختار قدرت در عهد قاجاری نیز هم‌چون گذشته استبدادی و مطلقه بود. قاجاریان به لحاظ مبنای مشروعیت سیاسی، اگرچه ابتدا تلاش کردند خود را از تبار صفویه قلمداد کنند و بدین‌سان خود را از مشروعیت دینی مورد ادعای آنان برخوردار کنند، به زودی این داعیه را رها ساختند و به سمت جایگزین کردن مشروعیت حاصل از حمایت روحانیان شیعه از دولت قاجار به جای مشروعیت نسبی پادشاه حرکت کردند. (شجاعی زند، ۱۳۷۶، ص ۸۲) شاهان قاجار دلبستگی و توجه ویژه‌ای به رعایت آداب و برگزاری مناسک و شعائر دینی از خود نشان می‌دادند. در دوران فتحعلی‌شاه، بر شکوه عزاداری و تعزیه افزوده شد، اولین تکیه‌های ثابت برپا گردید و کارگردانی

تعزیه با ریاست شاه و برخی شاهزادگان تکامل یافت. (الگار، ۱۳۶۹، ص ۸۸-۸۹؛ کالمار، ۱۳۷۴، ص ۴۹) در دوران محمدشاه قاجار، مراسم عزاداری به ویژه اجرای تعزیه رونق گرفت و ساختن تکایا نیز گسترش یافت. تدوین متون تعزیه، تکامل دسته‌ها و مواعظ پیش‌درآمد تعزیه و رقابت شاهزادگان و اعیان و اشراف در بنای تکیه و اجرای تعزیه را از ویژگی‌های این دوران دانسته‌اند. (کالمار، ۱۳۷۴، ص ۴۹-۵۰) در بین شاهان قاجار، ناصرالدین‌شاه در پرداختن به شعائر مذهبی و شیعه‌گری گوی سبقت را از همه ربود. با گذشت زمان و اثرگذاری نظام‌های مقتدر، زمینه‌ای فراهم شد تا عاشورا صرفاً صورتی تسلی‌بخش به خود بگیرد که عمدتاً در تقابل با شکل و هدف اصیل و اولی آن بود. بدین ترتیب ابعاد مختلف عاشورا، در مصیبت و عزا منحصر شد و از هرگونه حماسه و پیام و فداکاری خالی گردید. این مسأله بر فرهنگ سیاسی اثر گذاشت و آن را از حالت سیاسی فعال و ستیزه‌گر با نظام‌های قدرت نامشروع - در عرصه عمل - خارج ساخت. این تغییر جهت، با شکل‌گیری دولت صفویه و بعد از آن در دوران قاجار نمود بیش‌تری یافت. (هراتی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۰۲)

ویژگی شاخص دوران ناصری، رونق بی‌سابقه مجالس عزاداری و خصوصاً آیین تعزیه بود. (امین فروغی، ۱۳۸۰، ص ۶۲) مهم‌ترین اقدام در این زمینه، ساخت «تکیه دولت» به دستور وی است که نقشی بسزا در رواج روزافزون مجالس تعزیه در ایران آن زمان ایفا کرد. از آن پس، رقابت درباریان و شاهزادگان در برگزاری مجالس و ساخت تکایای هرچه باشکوه‌تر، به تدریج این آیین را به وسیله فخرفروشی و شهرت‌طلبی بزرگان مبدل ساخت و حتی گاهی برای شاه و درباریان بیش‌تر امری سرگرمی‌ساز محسوب می‌شد. رونق آیین تعزیه، در مقابل، رکود مجالس روضه‌خوانی را به دنبال داشت؛ زیرا علاوه بر جذابیت و عوام‌پسندتر بودن ماهیت نمایشی تعزیه، رواج بُعد محتوایی تعزیه، ارکان روضه‌خوانی را متزلزل کرد. (الگار، ۱۳۶۹، ص ۲۱۲)

دیگر نکته مهم، ظهور مجالس تعزیه زنانه در این مقطع تاریخی است.^۱ اگرچه برگزاری این نوع مجالس عمومیت و توسعه چندانی نیافت و این مجالس، نهایتاً تا اواسط دوران حکمرانی احمدشاه بود و پس از آن، رو به افول نهاد. در این عصر، رونق‌یابی شبیه‌خوانی، منبر رفتن، وعظ کردن و روضه خواندن زنان، بحث غنا در مرثیه‌خوانی اهل بیت علیهم‌السلام، به‌کاربردن تعابیر نادرست و دور از شأن اهل بیت علیهم‌السلام در اشعار و نوحه‌ها به بهانه زبان حال خواندن، اجرای پاره‌ای حرکات عوامانه (نظیر فریاد کشیدن) یا استفاده از مال حرام و شبهه‌ناک در برگزاری مجالس روضه نیز به فهرست اعتراضات و انتقادات علما نسبت به مجالس روضه می‌افزود. (مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۱۰۷)

عمومیت یافتن رسم تیغ‌زنی و قمه‌زنی، از دیگر شاخصه‌های عزاداری در این دوره است که در این مقطع گسترش و رواجی بی‌سابقه یافت. در عهد ناصرالدین‌شاه، علاوه بر قمه‌زنی، رسوم دیگری نیز در زمره آداب عزاداری و مظاهر دین‌داری عامه وارد شد. «شمایل‌کشی»، «زنجیرزنی» و «چهل و یک منبر»^۲ را می‌توان از جمله رایج‌ترین این رسوم نام برد. شمایل‌کشی و شمایل‌گردانی، از دوران صفویه سابقه داشت و ابزار کار نقالان و مداحان بود، اما گسترش آن به منازل شخصی مردم، از شاخصه‌های دین‌داری در عهد ناصری است. رسم «زنجیرزنی» هم در همین دوران ابداع شده و

۱. چنان‌که از گزارش‌های تاریخی استنباط می‌شود، اولین نمونه این مجالس در منزل قمرالسلطنه، دختر فتح‌علی‌شاه، برگزار شده و از آن پس، هر سال در دهه اول محرم برقرار بوده است. (بیضایی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۱)

۲. به این معنا که افراد برای روا شدن حاجات خود، نذر می‌کردند که یک شب عاشورا، به چهل یا ۴۱ مجلس و تکیه‌ای بروند که در آن‌ها روضه‌خوانی می‌شده است و هرکدام در آن‌ها شمعی روشن کنند. در تکیه‌ها هم عموماً جایگاه مشخصی مانند «سقاخانه» برای این کار اختصاص یافته بود. البته این رسم در مناطق مختلف و در آمیزش با رسوم، سنن و باورهای خاص مردم آن نواحی، صورت‌هایی متفاوت نیز به خود می‌گرفته است. (وکیلیان، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳)

رواج یافته؛ زیرا در سفرنامه‌ها و تذکره‌ها، تا پیش از این دوره، اشاره‌ای بدان نشده است. در عهد ناصری، به تبع رونق مجالس تعزیه و سوگواری، جریان وعظ و خطابه هم رونق فراوانی یافت و تعداد بسیاری از واعظان در سراسر کشور، به وعظ و خطابه اشتغال داشتند. (مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴-۱۲۶) شاخصه مهم و بی‌بدیل جریان وعظ و خطابه در عصر قاجار، تدوین کتاب‌ها و رساله‌هایی است که متون وعظ و خطابه را شامل می‌شدند. با وجود آن که در دوران ناصرالدین‌شاه، مجالس سوگواری گسترش بسیار یافتند، در عین حال از مقطع پایانی همین عصر هم مجالس مذکور به افول گراییدند. عقل در فقه شیعه، بالاترین معیارها است. اگر عزاداری از علما اقتباس شود، هیچ اشکالی پیش نمی‌آید. در بسیاری از مجالس عزاداری، شأن معصوم رعایت نمی‌شود؛ خیلی از منبری‌ها اهل مطالعه نیستند؛ عامه مردم در برپایی مجالس عزاداری سلیقه خود را اعمال می‌کنند، اغلب مجالس عزاداری تهی از معارف دینی و سیره اهل بیت علیهم‌السلام و صوری است. عزاداری عاشورا ابزار مهمی برای به جا آوردن فریضه امر به معروف و نهی از منکر است؛ در مجالس می‌بایست از روایاتی استفاده کرد، که دارای سند محکم و معتبر باشند؛ محافظه‌کاری برخی از علما و روحانیان، باعث بی‌توجهی و ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر شده است؛ در اغلب مجالس برای تحریک احساسات مردم، مطالب غلوآمیزی درباره عاشورا بیان می‌شود. (کاهیرده و بهار، ۱۳۸۹، ص ۱۷۰) در همین زمینه، سه دلیل عمده را می‌توان برای این افول ذکر کرد:

۱. گسترش کمی و کیفی مجالس شبیه‌خوانی، به عنوان رقیب جدی مجالس سوگواری؛ در رقابتی نابرابر به دلیل حمایت شاه و دربار از تعزیه و نیز جذابیت‌های بیش‌تر آن؛
۲. ورود گرایش‌های صوفیانه، نقل‌های ضعیف و داستان‌پردازی‌های عوامانه به متن عزاداری‌ها؛ که نتیجه آن تهی شدن روزافزون این مجالس از محتوای غنی پیشین خود بود؛

۳. رواج فرنگی‌مآبی و حملات روشن‌فکران به این مجالس، و نیز تضعیف عقاید دینی و رواج لاابالی‌گری که در این مقطع به اوج خود رسیده بود. (کالمار، ۱۳۷۴، ص ۵۰؛ مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷)

مسئله مهم در مناسک عزاداری عاشورا، جنبه مردمی آن و سیطره احساس بر تعقل در لایه‌های مختلف اجتماعی است. مسائلی از قبیل قمه‌زنی، شکل حاد و افراطی این سیطره است و نباید از یاد برد که تهی شدن عاشورا از حقیقت و مفهوم متعالی آن و پرداختن به اشکال ظاهری آن، آسیبی است که از ره‌گذر تبدیل این واقعه سترگ به یک نهاد اجتماعی، دامن‌گیر عاشورا شده است، (ضیایی، ۱۳۸۴، ص ۶۴)

افول مجالس روضه پس از چندی، گریبان‌گیر مجالس تعزیه هم شد. این روند نزولی از اواخر سلطنت مظفرالدین‌شاه، با ورود نهضت‌های جدید فکری از غرب به ایران، و خصوصاً با آغاز نهضت مشروطه، شکل جدیدتری به خود گرفت. از نهضت مشروطه به بعد، ورود موضوعات سیاسی و ضدحکومتی به مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام مشاهده می‌گردد. دلیل این امر آن بود که تا قبل از مشروطیت، واعظان معروف بر اثر نداشتن آگاهی سیاسی و بُعد مردمی، با دولت قاجار چندان احساس تضاد نمی‌کردند. اما هرچه از مشروطه می‌گذرد، رسانه منبر به طور فزاینده‌ای ضددولتی می‌شود. (امین، ۱۳۷۴، ص ۱۴۵) این روند سیاسی شدن را عمده‌تاً دین‌داران موافق و مبلغ مشروطیت و علمای مرتبط با آن‌ها صورت می‌دادند؛ کسانی که در ضمن اعتقاد به دین، مجذوب جنبه‌های آزادی‌بخشی و ضداستبدادی تمدن غربی شده بودند و سعی در تلفیق این جنبه‌ها با اعتقادات دینی خود داشتند. پس از استقرار مشروطه، پاره‌ای تغییرات در مجالس عزاداری اعمال شد؛ از جمله از محرم سال ۱۳۲۵ قمری، ساز و طبل را به علت آن‌که خلاف شرع است، موقوف کردند. در یک جمع‌بندی کلی، مجالس عزاداری در عهد قاجار، به رغم نشیب و فرازهای زیاد، هیچ‌گاه به‌طور کامل نفوذ خود را در میان توده مردم از دست نداد و در مقاطع مختلف سیاسی و اجتماعی، هم‌چنان اثرگذار بود. به‌طور کلی، از دوران قاجار، عزاداری امام حسین علیه السلام علاوه بر محرم، به ماه صفر نیز تعمیم یافت. (مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸-۱۴۳)

روی کار آمدن دولت پهلوی، نقطه عطفی تاریخی در تحولات و تغییرات اجتماعی مراسم و مناسک عزاداری عاشورا در ایران است. در دوران پهلوی و به ویژه در نیمه دوم سلطنت رضاشاه، مذهب و شعائر مذهبی با سخت‌گیری‌های شدیدی مواجه شد و تحت الشعاع برنامه‌های تجددگرایانه رژیم قرار گرفت. از جمله این برنامه‌ها، حمله حکومت رضاشاه علیه آداب و سنت‌هایی بود که با عنوان مبارزه با خرافات همانند «قربانی کردن در اعیاد»، «قمه و زنجیرزنی» و «تعزیه و شبیه‌خوانی» ممنوع اعلام شد. (بصیرت‌منش، ۱۳۷۶، ص ۱۳۷) در ادامه این سیاست‌ها و با عنوان «مبارزه با فرهنگ غم و گریه»، هر سال اوضاع برای برگزاری مجالس عزاداری شیعیان سخت‌تر شد. ممنوعیت برگزاری مجالس عزاداری به صورت رسمی از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ شمسی برقرار بود. (گلی‌زواره، ۱۳۷۵، ص ۲۹) از دیگر اقدامات رضاخان برای محدود کردن مجالس عزاداری، تأسیس مؤسسه وعظ و خطابه، تخریب بنای تکیه دولت، رواج دادن عزاداری ایام فاطمیه در ایران، فرستادن طلاب برای تبلیغ و منبر رفتن در ایام سوگواری بود. هم‌چنین به منظور اصلاح این مجالس، شبیه‌خوانی را در قم ممنوع نمود و یکی از مجالس بزرگ تعزیه را به مجلس روضه‌خوانی تبدیل کرد.

با سقوط رضاخان در شهریورماه ۱۳۲۰ شمسی و قدرت گرفتن محمدرضا و استقرار سلطنتش، سیاست‌های دین‌ستیزانه رضاشاه، کمابیش از سر گرفته شد، منتها آشکارا از شدت آن کاسته گردید. سال‌های پیش از انقلاب و با شروع تحرکات اجتماعی و مبارزاتی پیرامون آن، موقعیت وعظ و منبر در این مجالس پررونق شد. کارکرد مؤثر آگاهی‌بخشی آن در هدایت نیروهای انقلابی آن زمان دیده می‌شود. هرچند دورکیم معتقد بود که مذهب رو به زوال خواهد رفت و اعمال و تشریفات بخش کوچکی از زندگی انسان‌ها را در بر خواهد گرفت، تجربه وسیعی نشان داد نه فقط چنین نشد، بلکه دین در جوامع مدرن ظهوری دوباره یافت. علاوه بر این، در جوامع اسلامی نیز دین همواره در متن زندگی اجتماعی مردم حضور داشته است.

بی‌شک انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان تداوم نهضت عاشورا، کارکرد «احیای اسلام» را بعد از چهارده قرن به بهترین شکل به منصه ظهور رسانید. انقلاب اسلامی به عنوان جریانی که خاستگاه مذهبی و شیعی داشت، در مسیر خود، مناسک دینی و به‌ویژه عزاداری امام حسین علیه السلام را هم متأثر کرد و دوباره به آن‌ها کارکرد سیاسی بخشید. سیطره جریانی که در دوره حکومت‌های پیشین ایران و به‌ویژه از صفویه به بعد، برگزیده مجالس سوگواری سایه انداخته بود و گرایش‌های دینی نوعاً عرفی، غیرسیاسی، عرفانی، تقدیرگرا، عوامانه و صرفاً عاطفی را تبلیغ می‌کرد، در این دوران دستخوش تغییر شد و در مقابل، به تناسب فضای مبارزاتی جامعه، برداشت‌های حماسی، سیاسی و مبارزاتی از واقعه عاشورا قوت گرفت و رواج یافت. (حجاریان، ۱۳۸۰، ص ۲۲۴-۲۳۰) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به واسطه وجود روحیه انقلابی و آرمان‌خواهی در میان توده مردم به ویژه جوانان، منبر و علما هم‌چنان از ارزش و اعتبار گذشته برخوردار بودند. هم‌چنین روشن‌فکران دینی، در این برهه تاریخی با رویکردی ایدئولوژیک و سیاسی که به دین و مقوله دین‌داری داشتند، به ایجاد فضایی عقلانی و روشن‌فکرانه در مجالس عزاداری تأکید کردند؛ لذا با وجود چنین نظرگاهی نسبت به مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام که بر فضای جامعه حاکم شده بود، در این برهه به نوعی تقویت و قدرت موقعیت و عظمت و سخنرانی در این مجالس مشاهده می‌گردد.

دوران جنگ تحمیلی را می‌توان دوره تأثیرگذار دیگری در تاریخ حیات هیأت‌ها و مجالس مذهبی دانست؛ زیرا با آغاز جنگ تحمیلی، گونه نوپدید هیأت‌های انقلابی تکامل یافت و توانست خود را به‌عنوان گونه‌ای مستقل از هیأت‌های سنتی تثبیت کند. شاخصه مهم این هیأت‌ها، پررنگ شدن و محوریت یافتن «ادعیه و زیارات» در برگزاری مجالس مذهبی، تغییر محتوای سخنرانی‌ها از بیان مسائل معمول و عامیانه

به سمت تحلیل مسائل سیاسی روز، تبیین مسائل جنگ، انقلاب اسلامی و بیانات امام علیه السلام و نیز مباحث مربوط به اخلاق و خودسازی در جبهه‌ها بود. علاوه بر شاخصه‌های یادشده، تفاوت دیگر این هیأت‌ها با هیأت‌های سنتی، در سادگی آن‌ها بود. به‌خلاف هیأت‌های سنتی، هر هیأت انقلابی ابزار و آلات خاصی را شامل نمی‌شد. (مظاهری، ۱۳۹۰، ص ۲۱۴-۲۱۶)

به عقیده توده مردم، مراسم دینی چون عاشورا، از مهم‌ترین عامل‌های بازدارنده ایجاد ناهنجاری‌ها و به عنوان الگویی برای پرداختن به اعمال درست است. در واقع عاشورا یک مدل از مقابله یک دسته کوچک اما با ایمان بزرگ و والا در مقابل ظلم و پایداری تا مرز شهادت است. (باقی، ۱۳۷۹، ص ۱۴)

مراسم عاشورا در این دوران، باعث پیوند بین مسلمانان می‌شود و از دورافتادگی و جدایی انسان‌ها از هم‌دیگر جلوگیری می‌کند. پیوستگی و استمرار فرهنگی، کارکرد دیگری است که این مراسم القا می‌کند؛ زیرا در مراسم مربوط به عزاداری عاشورا، افراد متعلق به نسل‌های مختلف در کنار یک‌دیگر جمع می‌شوند و با یک‌دیگر تعامل می‌کنند. سرانجام باید بیان داشت که مراسم عاشورا با تحمیل انضباط بر افراد شرکت‌کننده، آنان را برای زندگی بهتر اجتماعی آماده می‌کند.

نکته مهم در انقلاب اسلامی، به ویژه در دوران هشت ساله دفاع مقدس، شباهتی است که مردم و رزمندگان میان امام خمینی علیه السلام با امام حسین علیه السلام و جبهه‌های نبرد با صحرای کربلا می‌یافتند. مشابه دانستن و تطبیق این دو واقعه تاریخی، گفتمان رایج نظام تبلیغاتی دوره جنگ محسوب می‌شد. از این رو، در میان بیش‌تر مردم به واسطه شهادت عزیزانشان، نوعی مقاومت و روحیه خاص حماسی همراه با شهادت‌طلبی ایجاد شده بود که این روحیه در جریان برگزاری مجالس عزاداری محرم تشدید و تقویت می‌شد، لذا این مجالس، کم‌کم در فضایی جدید نسبت به زمان صلح شکل

گرفت. به عبارتی، با شروع جنگ، فضای این مجالس در جهت پررنگ شدن نقش نوحه‌خوانی و مداحی با مضامین حماسی و شهادت‌طلبانه، تغییر یافت. غلبه چنین فضایی بر مجالس عزاداری و بروز سبک مداحی انقلابی و حماسی این مقطع، زمینه بروز مداحی به سبک‌های جدید و متنوع‌تر را در دوره‌های بعدی مهیا ساخت. با پایان یافتن جنگ، اگرچه آرامش بر جامعه حاکم شد و از هیجانات مربوط به آن دوران خبری نبود، هم‌چنان فضای عزاداری‌ها در جهت تقویت مداحی و غلبه احساس و عاطفه بر مجالس عمل می‌کرد و با گذار از این دوران و اجرای اصلاحات سراسری در تمام شئون جامعه، تغییرات زیادی در حوزه‌های فکری و اعتقادی و مذهبی نیز اتفاق افتاد که به تبع آن مجالس عزاداری نیز متأثر شدند. از جمله تغییرات مهم که در این مقطع آغاز شد و تا به امروز ادامه یافته، گسترش موج جدیدی از هیأت‌های عزاداری بود که بعضاً ساختار دوگانه واعظ/مداح را کاملاً شکسته و با محوریت مداحان به اصطلاح پاپ برپا می‌شد. طبعاً به موجب وضعیت جدید، مداحان به موقعیتی دست یافتند که آن‌ها را رکن اصلی مجالس عزاداری معرفی می‌کرد و وعاظ را به حاشیه می‌راند. البته اگرچه امروز این جریان مداحی جدید به شدت سال‌های گذشته مطرح نیست، در کل جریان مداحی هم‌چنان به عنوان جریان غالب مجالس عزاداری مطرح است. (مهری و کاهیرده، ۱۳۸۸، ص ۲۱)

در دوران پس از انقلاب نیز در مقاطع مختلف تاریخی، نماد و مفاهیم عاشورایی، زمینه مقابله با جریان‌های انحرافی به کار گرفته شد که به دنبال کنار نهادن و تضعیف دین بودند. می‌توان گفت که یکی از وجوه تمایز میان کارکردهایی که مفهوم مناسک عاشورا در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران در دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی داشته، در این است که در قبل از انقلاب بیش‌تر کارکرد بیداری و انقلابی‌گری و در دوران پس از انقلاب بیش‌تر کارکرد بصیرت‌بخشی به منظور بیرون آمدن از فتنه‌ها را داشته است. (هراتی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۱۶)

در چنین وضعیتی، به نظر می‌رسد آنچه عامه مردم دنبال آن هستند، نوعی از دین‌داری است که در سایه فضای مناسکی عزاداری‌ها و هیأت‌ها که به زعم خودشان، فضایی مقدس و معنوی و به دور از آلودگی‌های مادی و دنیوی است، قابل دست‌رسی است. آنچه امروز برای اکثر مردم اهمیت اساسی دارد، پیدا کردن احساس مذهبی رضایت‌بخشی است که در جریان شرکت در مناسک عاشورا به دست می‌آید. به عبارتی، آنچه اکنون به عنوان شکل غالب الگوی دین‌داری عامه مردم نمود یافته، صورت‌بندی جدید دینی، با تجلیات خاص عرفانی و فاصله‌گیری از عقلانیت دینی است. در واقع می‌توان گفت در وضعیت کنونی، نوعی تفوق دین‌داری احساسی و عاطفی بر دین‌داری روشن‌فکری و ایدئولوژیک مشاهده می‌گردد که در آن مناسک صورت غالب دین را یافته و باورها به حاشیه رانده شده‌اند؛ از این رو، مداحان (نماد دین‌داری عاطفی)، محور مناسک مذهبی شده و وعاظ (مرجع دینی)، در حاشیه قرار گرفته‌اند. (مهری و کاهیرده، ۱۳۸۸، ص ۲۲) از این رو می‌توان گفت: کارکرد پنهان، بر نتایج نامرئی و آثار غیرمنتظره قابل مشاهده رسم‌های اجتماعی دلالت دارند. (توسلی، ۱۳۸۲، ص ۶۷) یکی از کارکردهای پنهان مناسک عزاداری عاشورا، کارکرد ذوب فاصله‌هاست. درباره عاشورا نیز یکی از ویژگی‌های بارز و جالب این است که طبقات مختلف جامعه اعم از کارگر، دانشمند، غنی، فقیر، شهری، روستایی، دولتمردان، شهروندان و نظایر آن بدون هیچ‌گونه صف‌بندی جداگانه‌ای و با وضعیتی یکسان در آن حضور می‌یابند و احساس مشترکی دارند. (باقی، ۱۳۷۹، ص ۲۳)

به طور کلی توجه به عاشورا و بزرگداشت آن، اقامه شعائرالله و از فرایض دینی محسوب می‌شود که در طول تاریخ، مهم‌ترین ابزار انتقال معارف شیعه و تقویت‌کننده روحیه ظلم‌ستیزی در میان شیعیان بوده است. به عبارتی دیگر، در این گفتمان اجرای مناسک عزاداری عاشورا به عنوان ابزاری تبلیغی در جهت ترویج معارف و شعائر

دینی در نظر گرفته می‌شود که در ساختارهای بنیادی از جمله در پرداختن به مضامین عزاداری، اندوه، مصیبت و نظایر آن با عامه مردم مشترک هستند. اما امروزه برخلاف ادوار تاریخی گذشته، ادبیاتی الزام‌آور را در خصوص ضرورت نظارت و ارتباط نزدیک میان مجالس عزاداری و نهاد دین - به عنوان مرجعیتی که صیانت از اصول اعتقادی و معارف اصیل دینی را به عهده دارد - به کار می‌گیرد. این ادبیات آمرانه در سطوح بالای روحانیان یعنی مراجع، به شکل پررنگ‌تر و جدی‌تری به چشم می‌خورد. هم‌چنین متأثر از فرهنگ و تحولات اجتماعی ایران در دوره‌های مختلف تاریخی، نگاهی بدبینانه به این مجالس عزاداری وجود دارد که غالباً با محوریت مداحان برپا می‌شود و ضرورت اقتباس الگوی مراسم عزاداری عامه از مجالس عزاداری علما که عزاداری مقبول دینی است، به طور مکرر گوشزد می‌شود و از آن به عنوان تنها عامل بازدارنده از ارائه محتوای غیراصیل و غیرواقعی از عاشورا در این مجالس و به تبع آن بروز انحرافات در دین‌داری عامه مردم یاد می‌گردد. هم‌چنین در قالب تغییرات اجتماعی، به طور برجسته، به بروز تحریفات و انحرافات و رواج خرافه‌گویی و خیال‌پردازی‌ها درباره تاریخ عاشورا توجه خاصی وجود دارد. در واقع یکی از علل و ریشه‌های اصلی بروز انحرافات، خرافات و کج‌اندیشی عامه مردم نسبت به موضوع مناسک عزاداری عاشورا و آسیب‌های موجود، عدم دسترسی به معارف درست و مستند و اشاعه و ترویج مطالب غیرواقعی و غلوآمیز معرفی می‌شود، در واقع، دین‌داری عامه که در خلال برپایی مناسک عاشورا نمود بیش‌تری می‌یابد، نوعی دین‌داری سطحی و سلیقه‌ای انگاشته می‌شود که در طول تاریخ، به بروز انحرافات و بدعت‌هایی می‌انجامد که معارف اصیل دینی را خدشه‌دار خواهد نمود. (کاهیرده و بهار، ۱۳۸۹، ص ۱۷۰-۱۷۱)

نتیجه

دین و مقولات پیرامون آن از جمله مناسک دینی در جامعه امروز ایران، به واسطه حاکمیت دینی و همچنین علقه‌های تاریخی و فرهنگی مردم، از اساسی‌ترین موضوعات مورد توجه و چالش‌برانگیز به ویژه در فضاهای علمی و آکادمیک محسوب می‌شود. در این فضا، زمینه بسیار مناسبی برای شکل‌گیری آثار علمی و پژوهشی فراهم آمده که دنبال برآورده کردن نیاز مخاطب است.

قیام عاشورا به عنوان نهضتی مقدس و حرکتی سیاسی، پایدارترین جنبش در فرهنگ سیاسی شیعه است. این قیام برای زدودن انحرافات دینی و سیاسی و جایگزین کردن حکومت علوی به جای حکومت اموی بود. تلقی شیعیان از مراسم و مناسک عزاداری عاشورا طی دوران مختلف تاریخی، به تدریج تغییر کرده که این تغییر علل مختلفی داشته است؛ بخشی به سبب هوشیاری ایرانیان، بخشی به دلیل واکنش در برابر تغییرات اجتماعی و سیاسی و قسمتی دیگر به لحاظ سیر تکاملی عقاید شیعه از طریق اجتهاد بوده است. نتیجه این تحول، کنار گذاردن تفسیرهای دعوت‌کننده به آرامش، انفعال، فروتنی، ظاهر شدن روحیه مبارزه و انقلابی‌گری بود. زمینه‌های این تحول مهم که از آن به جنبش اصلاح و یا احیای فکر دینی تعبیر شده، از دوره قاجار به ویژه پس از شکست‌های پی‌درپی ایران در جنگ با روسیه شروع به شکل‌گیری کرد. نمونه این تحول را در حکم میرزای شیرازی در تحریم تنباکو می‌توان دید که به بسیج عمومی انجامید. این امر در قیام مشروطیت نیز ادامه یافت تا به دوران سلطنت پهلوی رسید. هرچند در دوران رضاخان، ضدیت با دین و مراسم و مناسک دینی و به صورت ویژه منع برگزاری مراسم عزاداری عاشورا در دستور کار قرار داشت، اما زمینه ظهور بازتفسیر از نمادهای شیعی را نیز فراهم کرد. این مسأله در دهه‌های بعد از فروپاشی دولت رضاخان، تأثیر فراوانی بر تحولات اجتماعی و سیاسی ایران داشت.

براساس چارچوب نظری، در زمینه ابعاد کلامی - اعتقادی عاشورا، تحولات و تغییرات مناسک عزاداری عاشورا در دوران مختلف به واسطه پشتوانه نهاد دین، موضوعی هژمونیک و الزام‌آور نسبت به عزاداری عامه دارد و در بعضی از موارد به ویژه در میان سطوح بالای روحانیان، تا حدی نوعی از جریان طرد این‌گونه مجالس عزاداری عوامانه مشاهده می‌شود. در مقابل، بیان لزوم اقتباس عملی از الگوهای عزاداری علما و مراجع، از مواضع روشن و برجسته تحولات و تغییرات عزاداری عاشوراست؛ الگویی که متکی بر نص صریح قرآن و معارف آن و هم‌چنین برگرفته از سیره پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام است و علاوه بر لزوم گریستن بر مصائب معصومان علیهم‌السلام، به اولویت در پای‌بندی به احکام فقهی و دستورهای شرع در عملکرد مردم در مجالس عزاداری تأکید فراوان دارد که به نوعی اکتفا و اقتصار ورزیدن به بُعد کلامی واقعه و غفلت از ابعاد دیگر واقعه عاشوراست. به طور کلی، می‌توان ویژگی‌های ارزش‌گریه و تباکی در مجالس عزاداری عاشورا را ابزاری در جهت احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و تعظیم اهل بیت علیهم‌السلام دانست. هم‌چنین اساس عزاداری عاشورا، لزوم آگاهی به اهداف قیام امام حسین علیهم‌السلام، تأکید بر درستی روایات مورد استفاده در مجالس عزاداری، لزوم اقتباس الگوهای عزاداری عاشورا از علما و مراجع، جعل و تحریفات تاریخی حادثه عاشورا، عزاداری صوری و عوامانه، رواج عزاداری ریاکارانه، عزاداری دور از شأن امام حسین علیهم‌السلام و وهن، و توجه و یا بی‌توجهی به عقل به عنوان معیار اساسی در دین را در این زمینه، می‌توان متأثر از فرهنگ و تحولات اجتماعی ایران در دوره‌های مختلف تاریخی به شمار آورد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آژند، یعقوب، قیام شیعی سربداران، تهران: گستره، ۱۳۸۵.
۲. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد شیبانی جرجی، تاریخ کامل، ترجمه حمیدرضا آژیر، ج ۱۲، تهران: اساطیر، ۱۳۸۲.
۳. ابن بطوطه، شرف الدین ابوعبدالله، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۶۱.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی، المنتظم فی التاریخ الامم و الملوك، تحقیق عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.
۵. اولثاریوس، آدام، سفرنامه (بخش ایران)، ترجمه احمد به پور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، ۱۳۶۳.
۶. امین، سیدحسن، «وعظ و خطابه در عصر قاجار»، میراث جاویدان، شماره ۱۱-۱۲، سال ۱۳۷۴.
۷. امین فروغی، مهدی، هنر مرثیه خوانی، تهران: نیستان، ۱۳۸۰.
۸. الگار، حامد، دین و دولت در ایران (نقش علما در دوره قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس، ۱۳۶۹.
۹. الیوت، تی اس، درباره فرهنگ، ترجمه حمید شاهرخ، تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۹.
۱۰. باقی، عمادالدین، جامعه شناسی قیام امام حسین (علیه السلام) و مردم کوفه، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.
۱۱. بصیرت منش، حمید، علما و رژیم رضاشاه؛ نظری بر عملکرد سیاسی - فرهنگی روحانیون در سال های ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۶.
۱۲. بکتاش، مایکل، «تعزیه و فلسفه آن» تعزیه، هنر پیشرو بومی ایران، گردآورنده: پیترو چلکووسکی، ترجمه داود حاتمی، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۶۷.
۱۳. بهار، مهری و نسیم کاهیرده، «تحول نقش واعظ و مداح در اجرای مناسک عاشورا (مطالعه موردی شهر دزفول)»، فصل نامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۱۶، ۱۳۸۸.
۱۴. بیضایی، بهرام، نمایش در ایران، تهران: روشن گران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵.

۱۵. تقی‌زاده داوری، محمود، *سنت عزاداری و منقبت‌خوانی در تاریخ شیعه امامیه*، قم: شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴.
۱۶. توسلی، غلامعباس، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
۱۷. جعفرپیشه، مصطفی، «پیوند دین و سیاست در گفتمان عاشورا»، فصل‌نامه حکومت اسلامی، شماره ۵۲، ۱۳۸۱.
۱۸. جعفریان، رسول، *تأملی در نهضت عاشورا*، قم: انصاریان، ۱۳۸۱.
۱۹. حجاریان، سعید، *از شاهد قدسی تا شاهد بازاری؛ عرفی شدن دین در سپهر سیاست*، تهران: طرح نو، ۱۳۸۰.
۲۰. حجازی، سیدعلیرضا، *حسین بن علی (علیه السلام) در آئینه شعر فارسی*، قم: فارس الحجاز، ۱۳۸۲.
۲۱. حسینی، علی جلال، *الحسین (علیه السلام)*، قاهره: مطبعة السلفیه، ۱۳۴۹.
۲۲. دورکیم، امیل، *صور بنیانی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۳.
۲۳. ریشه، گئی، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی، ۱۳۶۶.
۲۴. ساده، مهدی، *روش‌های تحقیق با تأکید بر جنبه‌های کاربردی*، تهران: ناشران مؤلف، ۱۳۷۵.
۲۵. ساروخانی، باقر، *دائرة المعارف علوم اجتماعی*، چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۰.
۲۶. شجاعی زند، علیرضا، *مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین*، تهران: مؤسسه فرهنگی تبیان، ۱۳۷۶.
۲۷. شوايتزر، گرهارد، *سیاست و دین‌گرایی در ایران*، ترجمه محمدجواد شیخ‌الاسلامی، تهران: علمی، ۱۳۸۰.
۲۸. صفا، ذبیح‌الله، *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: فردوس، ۱۳۶۶.
۲۹. صفت‌گل، منصور، *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی*، تهران: رسا، ۱۳۸۱.
۳۰. ضیایی، سیدعبدالمجید، *عاشورا جامعه‌شناسی تحریفات*، تهران: نشر هزاره ققنوس، ۱۳۸۴.
۳۱. قزوینی، نصیرالدین عبدالجلیل، *النقض معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض*، به تصحیح: سید جلال‌الدین حسینی ارموی، بی‌نا: سپهر، ۱۳۳۱.
۳۲. کالمار، ژان، «*بانیان تعزیه‌خوانی*»، ترجمه جلال ستاری، درباره تعزیه و تئاتر در ایران، لاله تقیان، تهران: مرکز، ۱۳۷۴.

۳۳. کسروی، احمد، *التشیع و الشیعه*، تهران: پیمان، ۱۳۶۴.
۳۴. _____، *شیخ صفی و تبارش*، تهران: فردوس، ۱۳۷۹.
۳۵. کاهن، کلود، *بویهیان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی، ۱۳۸۴.
۳۶. کاهیرده، نسیم و مهری بهار، «تحلیل گونه‌های گفتمانی متأثر از محتوای مناسک عاشورا از (خلال تحلیل گفتمان نشریات مرتبط با موضوع عاشورا)، فصل‌نامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۵، ۱۳۸۹.
۳۷. کوزر، لوئیس، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی، ۱۳۸۲.
۳۸. کیوی، ریمون؛ لوک وان کامپنهود، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا، ۱۳۸۴.
۳۹. گلی‌زواره، غلام‌رضا، *ارزیابی سوگواری‌های نمایی*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۴۰. گیدنز، آنتونی، *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن ثلاثی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.
۴۱. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۳.
۴۲. محدثی، جواد، *فرهنگ عاشورا*، قم: معروف، ۱۳۸۱.
۴۳. مخبر، عباس، *سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج*، تهران: طرح نو، ۱۳۷۵.
۴۴. مدرس تبریزی، محمدعلی، *ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة و اللقب یاکنی و القاب*، تبریز: کتاب‌فروشی خیام، بی‌تا.
۴۵. مظاهری، محسن حسام، *رسانه شیعه: جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیأت‌های مذهبی در ایران: با تأکید بر دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۹۰.
۴۶. مقریزی، تقی‌الدین، *النزاع و التخاصم فیما بین بنی‌امیه و بنی‌هاشم*، تعلیق صالح الوردانی، قاهره: الهداف، بی‌تا.
۴۷. مؤدب، سیدرضا و امان‌الله فصیحی، «سنت الهی در تغییرات اجتماعی از دیدگاه مفسران شیعه»، فصل‌نامه شیعه‌شناسی، قم: شماره ۱۸، سال پنجم، ۱۳۸۶.

۴۸. موسوی مقرر، عبدالرزاق، *مقتل الحسین*، قم: دارالثقافه للطباعه و النشر، ۱۴۱۱.
۴۹. میراحمدی، مریم، *دین و مذهب در عصر صفوی*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۵۰. نوذری، حسینعلی، *فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری*، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۷۹.
۵۱. نوری، مهدی، *آیین مستان*، ج ۱، قم: مشهور، ۱۳۸۴.
۵۲. وکیلان، سیداحمد، «نذر و نیاز در عاشورای حسینی»، *مجموعه مقالات سومین همایش محرم و فرهنگ مردم ایران*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۳.
۵۳. هراتی، محمدجواد و همکاران، «عاشورا و تحولات اجتماعی ایران عصر انقلاب اسلامی»، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، شماره ۲، ۱۳۹۱.
۵۴. همیلتون، ملکم، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تبیان، ۱۳۸۱.
55. Cattell, Vicky, **Social Capital to Explore Dynamics between Structure & Agency in the Context of Declining & Regenerated Neighborhoods**, *Sociology*, Vol. 38, 2004.